



دوفصلنامه علمی تخصصی پژوهش‌های علوم عقلی
سال اول، شماره اول، پاییز و زمستان ۱۴۰۳

مقاله تخصصی

بررسی مقایسه‌ای عقل‌گرایی ابومنصور ماتریدی و ابن تیمیه در باب توحید و بازتاب‌های کلامی آن



محمد حسین مؤید^۱
مجتبی مرادی مکی^۲

چکیده

از دیرباز رویکردهای مختلفی، همچون عقل‌گرایی و نقل‌گرایی به مباحث معرفتی در بین مذاهب مختلف کلامی طرح شده است. ماتریدیان در مقابل سلفیان دارای رویکرد عقلانی به آموزه‌های توحیدی هستند و این تفاوت رویکرد منجر به بروز چندین بازتاب کلامی شده است.

از آنجاکه تفاوت دو دیدگاه ناشی از تفاوت نگاه رهبران دو مکتب است، این تحقیق با روش توصیفی و تحلیلی، به بررسی میزان عقل‌گرایی ابن تیمیه و ابومنصور ماتریدی و بازتاب‌های کلامی دو دیدگاه در باب توحید می‌پردازد. نتایج به دست آمده نشان می‌دهد که ابن تیمیه و پیروان او در مورد توحید، عقل‌گرایی کمتری نسبت به ابومنصور ماتریدی و ماتریدیان دارند. این تفاوت در عقل‌گرایی، منجر به بروز پیامدهای قابل توجهی، نظیر ارائه تقسیمات متفاوتی درباره توحید، تفاوت در نگرش دو مذهب به صفات و افعال الهی، داشتن رویکردهای گوناگون در ارائه براهین عقلی و تفاوت نگاه به مسئله حسن و قبح شده است.

کلیدواژه‌ها:

عقل‌گرایی، نقل‌گرایی، سلفیه، ماتریدی، بازتاب‌های کلامی، توحید، صفات خبری.

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۲/۲۰

*تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۷/۰۷

۱. طلبه سطح ۲ و ۳ پیوسته رشته کلام اسلامی مدرسه علمیه عالی نواب مشهد (نویسنده مسئول)

mohammadhoseinmoayyed@yahoo.com

۲. مدرس سطوح عالی حوزه علمیه خراسان، دانش آموخته دکتری رشته وهابیت شناسی دانشگاه ادیان و مذاهب

moradimak1393@gmail.com

✽ طرح مسئله

از دیرباز، مسئله جایگاه عقل در آموزه‌های دینی و بازتاب‌های کلامی آن، یکی از مهم‌ترین و اختلاف‌برانگیزترین موضوع‌ها نزد عالمان دینی بوده است. اندیشه‌وران مذاهب مختلف در این مسئله، دیدگاه واحدی ندارند و نظرات مختلفی را بیان نموده‌اند. در این میان، عالمان ماتریدی و سلفی در این مسئله اختلاف نظر جدی دارند؛ به طوری که تقابل آن‌ها نسبت به مسئله عقل در باب توحید، بازتاب‌ها و پیامدهای بسیار متفاوتی را رقم زده است.

ماتریدیان، پیروان ابومنصور ماتریدی، حجیت عقل را در امور اعتقادی به عنوان یکی از پایه‌های تفکر خود پذیرفته‌اند و ابزار کسب معارف الهی را سه چیز معرفی می‌کنند: عقل، نقل، حس و عقل را جوهر قائم به نفس تعریف می‌کنند (صابونی، ۱۹۶۹م، ص ۳۲). از دیدگاه ماتریدی از طریق عقل می‌توان به معلومات بدیهی و حصولی علم پیدا کرد (نسفی، ۱۴۰۶ق، ص ۱۲۱؛ لامشی، ۱۹۹۵م، ص ۴۲).

این در حالی است که سلفیان که پیرو ابن تیمیه هستند، ظاهرگرایی را یکی از پایه‌های تفکر خود دانسته و برای عقل، حجیت محدودی را در امور اعتقادی قائل شده‌اند (ابن تیمیه، ۱۴۱۵ق، ص ۲۵۲). آن‌ها عقل را جوهر قائم به نفس نمی‌دانند، بلکه عقل را جزء محسوسات و اعراض معرفی می‌کنند، از این رو، بر این باورند که عقل جزء محسوسات است و علوم و معارف الهیه با محسوسات قابل ادراک نیستند و برای درک آن‌ها باید از نقل کمک گرفته شود و اگر از نقل چیزی به دست نیامد، باید سکوت کرد (همان، ۱۴۱۵ق، ص ۲۵۲؛ همان، ۱۴۱۱ق، ج ۹، ص ۱۸).

از این رو، پژوهش حاضر ضمن بررسی و مقایسه میزان عقل‌گرایی ماتریدیه و سلفیه در باب توحید، به بیان بازتاب‌های کلامی مهم و اثر بخش عقل‌گرایی در باب توحید می‌پردازد. گفتنی است نزدیک‌ترین آثار مربوط به مسئله تحقیق را می‌توان در دو بخش دسته‌بندی کرد:

۱. آثاری که به بررسی مبانی دو مکتب به صورت عمومی پرداخته است، مانند مقاله بررسی تطبیقی مهم‌ترین مبانی فکری مکتب ماتریدیه و سلفیه در مباحث کلامی، اثر سید ابوالحسن نواب و همکاران که به اختصار به برخی مبانی توحیدی دو مکتب اشاره کرده است و همچنین مقاله بررسی حیات برزخی و سماع موتی از دیدگاه ماتریدیان و سلفیان، نوشته عبدالمؤمن امینی که فقط به بحث حیات برزخی اشاره کرده است.

۲. آثاری که به مبانی یک گروه در باب توحید اشاره کرده است، و یا احیاناً به بررسی دیدگاه یک گروه با گروه دیگر پرداخته، مانند کتاب نقد مبانی سلفیه در توحید، اثر علی الله‌باشی که به برخی مبانی توحیدی سلفیه اشاره نموده و پایان‌نامه مقایسه اصول اعتقادی اشاعره و ماتریدیه، اثر پوهنیار محمد شهیر معصومی که به آرای کلامی ماتریدیه و اشاعره پرداخته است.

براین اساس، تاکنون اثری مستقل در مورد مسئله این تحقیق به رشته تحریر درنیامده است و از آنجاکه هیچ‌کدام از آثار مذکور به بررسی جایگاه عقل در آموزه‌های اعتقادی از دیدگاه دو مذهب نپرداخته‌اند؛ مقایسه میزان عقل‌گرایی دو گروه به صورت تطبیقی و ذکر بازتاب‌های کلامی مرتبط، نوآوری اثر حاضر محسوب می‌شود.

۱. مفهوم‌شناسی عقل

مفهوم عقل، در لغت به معنای «بازداشتن»، «منع» و «جلوگیری کردن» است (راغب اصفهانی، ۱۴۰۴ق، ص ۳۴۲). و در اصطلاح چنان‌که جرجانی گفته است به معنای قوه‌ای است که انسان را از رفتن به مسیر نادرست باز می‌دارد (جرجانی، ۱۳۷۰، ۱۵۲). راغب اصفهانی نیز می‌نویسد: «عقل عبارت است از قوه‌ای که آمادگی قبول علم و آگاهی را دارد» (راغب اصفهانی، ۱۴۰۴ق، ص ۳۴۱).

ولی متکلمان و فلاسفه مسلمان، تعریف اصطلاحی متفاوتی از عقل ارائه داده‌اند. آن‌ها بر این باورند که عقل، آن چیزی است که کلیات را درک می‌کند (مصطفی خلیلی، ۱۳۸۷، ص ۳۸). و در جایی دیگر، این‌گونه تعریف نموده‌اند که عقل عبارت است از:

«جوهری بسیط که مردم به واسطه آن، چیزها را ادراک می‌کنند و کار عقل علاوه بر ادراک، نگهداری از نفس ناطقه و شرف دادن به آن است»^۱ (علی کرجی، ۱۳۹۶، ص ۱۸۷).

در بین ماتریدیان متقدم، به‌ویژه ابومنصور ماتریدی تعریف صریحی از عقل دیده نمی‌شود. آنان با صرف نظر از تعریف اصطلاحی عقل، مفهوم عقل را بدیهی انگاشته و در خصوص استدلال‌های عقلی، مباحث عمیقی را مطرح نموده‌اند. در نگاه ماتریدیان متأخر، تعریف اصطلاحی عقل چنین بیان



شده است که عقل عبارت است از همان نفس ناطقه و جوهری که به واسطه آن می توان استدلال کرد و در معارف الهی به آن تکیه نمود (بیاضی، ۱۳۸۶، ص ۷۷).

سلفیان نیز در خصوص واژه عقل، تعریف روشن و دقیقی ارائه نداده اند تا آنجا که لفظ عقل را ساخته فلاسفه و متکلمان می دانند،^۲ به عنوان نمونه، ابن تیمیه، مؤسس مکتب سلفیه، در کتاب خود عقل را جوهر قائم به نفس نمی داند و آن را جزء محسوسات و اعراض معرفی می کند و در نهایت، عقل را مجموعی از علم و عمل تفسیر می کند که وسیله شناخت و ادراکات است^۳ (ابن تیمیه، ۱۴۱۵ق، ص ۲۵۲). بنابراین، نقطه اشتراک سلفیه و ماتریدیه در تعریف عقل، این است که هر دو، عقل را در کنار وحی، طریقی برای استدلال می دانند، ولی در خصوص دایره حجیت آن با یکدیگر اختلاف نظر دارند.

ابومنصور ماتریدی که عقل را جزء منابع شناخت و کسب معرفت دینی معرفی می کند، سه دلیل بر حجیت عقل ارائه کرده است. دلیل اول وی، این است که حتی در دو منبع دیگر، یعنی حس و نقل، کسب معارف از استدلال و عقل بی نیاز نیست. دلیل دوم وی، آن است که در جدایی اعجاز پیامبران از سحر و جادو و این گونه مسائل نیز قطعاً پای استدلال عقلی به میان می آید. دلیل سوم هم عبارت است از اینکه در برخورد با منکران، قطعاً استدلال های عقلی دارای فایده است و در بسیاری از این موارد، نقل کاربرد چندانی ندارد (ماتریدی، بی تا، ص ۱۱۹).

در مقابل، سلفیان عقل را منبعی جدا در عرض کتاب و سنت و اجماع نمی دانند و با آنکه در احادیث بسیاری، نظیر «قوام المرء عقله ولادین لمن لا عقل له» به آن اشاره شده است، حجیت و تمجید از آن را انکار کرده و دلیل رد خود را ضعف سندی این گونه روایات معرفی می کنند (البانی، ۱۴۰۸ق، ج ۱، ص ۵۶). ابن تیمیه علاوه بر اینکه عقل را حجت نمی داند، بر کسانی که عقل را حجت می دانند، می تازد و نوع تفکر آنان را رد می کند با استدلال به این مطلب «که اگر عقل به تنهایی منبع کافی در حجیت می بود، دیگر خداوند نیازی به ارسال پیامبران و رسولان خود نداشت»^۴

دلیل دیگر ابن تیمیه بر نفی حجیت عقل در استنباط و استدلال ها، این است که عقول مردم، مراتبی متفاوت دارد و این تفاوت در مراتب، مستلزم تکثر آراء در مسائل دینی می شود، در حالی که اگر تنها



منبع، قرآن و سنت یا به عبارتی نقل باشد، نوعی وحدت آرادر منظومه فکری دینی ما حاصل می شود^۵ (ابن تیمیه، ۱۴۱۱ق، ج ۱، ص ۱۴۶).

۲. بازتاب های کلامی عقل گرایی

۲-۱. ارائه تقسیم های متفاوت، از توحید

اولین بازتاب کلامی عقل گرایی در حوزه توحید، تمایز در تقسیم توحید است. ماتریدیان در بحث توحید، به سه قسم اشاره کرده اند: توحید ذاتی، توحید صفاتی و توحید افعالی^۶ (ماتریدی، بی تا، ص ۳۸). آنان توحید ذاتی را یکی از مهم ترین اقسام توحید دانسته و برهان تمنع را در نفی تعدد خداوند مطرح می نمایند (همان، بی تا، ص ۲۰؛ صابونی، ۱۹۶۹م، ص ۳۹؛ نسفی، ۱۹۹۰م، ج ۱، ص ۸۱؛ قاری، ۱۴۱۹ق، ص ۴۸)؛ و براهین عقلی و نقلی متعددی در نفی ترکیب و تعدد از ذات خداوند متعال ارائه نموده اند. (ماتریدی، بی تا، ص ۲۰) این، در حالی است که سلفیان، توحید را به سه قسم توحید اسماء و صفات، توحید در الوهیت و توحید در ربوبیت تقسیم می کنند. سلفیان مهم ترین توحید را توحید الوهی می دانند تا جایی که رسالت اصلی پیامبران را ابلاغ این توحید به جامعه بشری معرفی می کنند و آن را به این معنا می دانند که فقط باید خدا پرستش شود.

بنابراین، اولین تفاوت ماتریدیان و سلفیان در این است که ماتریدیان در اقسام توحید، به توحید در الوهیت اشاره ای ندارند، اما سلفیان آن را مهم ترین قسم توحید دانسته و بر ماتریدیان اشکال می کنند که آنان بین توحید در خالقیت و توحید در الوهیت خلط کرده اند و تفاوت این دو توحید را متوجه نشده اند^۷ (حرّی، ۱۴۲۱ق، ص ۲۱۲). براین اساس، یکی از مهم ترین بازتاب های محدود کردن عقل در باب توحید، عدم ارائه تقسیم جامع از توحید توسط سلفیه است، زیرا تقسیم آنان شامل توحید ذاتی و افعالی نمی شود.

۲-۲. رویکرد متمایز در باب اثبات صفات و اقسام آن

بحث اثبات صفات و اقسام آن، از دیگر مسائلی است که تحت تأثیر عقل گرایی در مسئله توحید واقع شده است، به عنوان نمونه، ابومنصور ماتریدی صفات الهی را به وسیله عقل و نقل اثبات نموده و آن ها را به سه دسته کلی تقسیم می کند:

۱. صفاتی که برای انسان ها قابل درک است و میان انسان ها نیز کاربرد دارد.



۲. صفاتی که فقط خاص خداوند متعال است و انسان‌ها درک چندانی از آن ندارند، مانند صفت قدیم.
 ۳. اسمائی که مشتق شده از صفات الهی، مانند عالم و قادر است (ماتریدی، بی‌تا، ص ۶۵).
 ۴. همچنین ماتریدیان به تبع ابومنصور برای اثبات صفات الهی، مانند اسماء الهی به دلایل عقلی و نقلی استناد کرده‌اند،^۸ سپس صفات را گاهی به دو دسته ثبوتی و سلبی تقسیم نموده و گاهی به صفات عقلی و خبری تقسیم می‌کنند و برای هر تقسیم، دلیل عقلی ارائه می‌نمایند^۹ (نسفی، ۱۹۹۰م، ج ۱، ص ۱۸۸).

درحالی‌که سلفیان در باب اثبات صفات و اقسام صفات به دلایل نقلی بسنده کرده‌اند (ابن تیمیه، بی‌تا، ج ۳، ص ۳۶). سلفیان بر این باورند که دلایل صفات الهی، منحصر در کتاب و سنت است و اسماء و صفات الهی را تنها باید از این دو منبع (قرآن و سنت) به دست آورد و عقل، حق هیچ دخالتی در اثبات این اسماء و صفات برای خدا در نزد سلفیه ندارد. آنان برای اثبات این عقیده خود به حدیث پیامبر ﷺ استناد می‌کنند: «تَفَكَّرُوا فِي الْخَلْقِ وَلَا تَفَكَّرُوا فِي الْخَالِقِ» همچنین در دلیل دوم خود، بر قول سلف، به ویژه انس بن مالک استناد می‌کنند. وی در هنگام پاسخ به سؤال مخاطب خود در مورد چگونگی صفت «استوی علی العرش» که یکی از صفات خداوند است، بدین گونه پاسخ می‌دهد:

«باید آن را بپذیریم و در مورد آن سؤالی نکنیم». سلفیان این قول انس بن مالک را به منزله نظریه توقف در نظر گرفته و این نظریه را به برخی دیگر از صفات الهی نیز تعمیم داده‌اند (ابن تیمیه، ۱۹۹۸م، ج ۲، ص ۳۲).

۳-۲. رویکرد متمایز نسبت به تفسیر صفات خبری

سلفیه چون عقل را در کسب معارف محدود کرده است، به اجبار به ظاهرگرایی در نقل روی می‌آورد و این مسئله به خصوص در باب صفات خبریه سبب می‌شود که جسمانیت را با وجود خداوند منافی ندانند. واضح است که محدودیت جسم، منجر به محدودیت ذات خواهد شد و نتیجه این عقیده سلفیان، خدایی محدود است. آن‌ها در مورد صفات خبری بر این عقیده‌اند که این صفات را فقط باید بر ظاهر آن حمل کرد. ظاهری سلفیه، عقل را محدود می‌کند، اما به تأویل بردن این صفات نزد ماتریدیه نیاز به تفکر و تعقل دارد که همین امر، قلمرو عقل را وسیع‌تر می‌کند. این تفاوت نگاه باعث شده است، مبانی توحیدی آنان از هم فاصله گیرد.

در دیدگاه مقابل سلفی‌ها، ماتریدیان قرار دارند که با اصل تنزیهی، خدا را از هرگونه ترکیبی در ذات

خود منزّه می‌دانند. یکی از نتایج این اصل اعتقادی، دوری از جسمانی انگاشتن خداوند متعال است، چراکه آنان به این توجه داشته‌اند که خدای جسمانی، خدایی محدود است و خدایی مجرد، احاطه بیشتری نسبت به امور مادی دارد.

آنان در مورد صفات خبری اتفاق نظر دارند که باید صفات خبری را بر غیر ظاهرشان حمل کرد و در مورد قول به تفویض یا تأویل بین آن‌ها اختلافاتی دیده می‌شود (ماتریدی، بی تا، ص ۴۷؛ نسفی، ۱۹۹۰م، ج ۱، ص ۱۸۲). براین اساس، ماتریدی‌ها براساس گرایش تأویلی در صفات خبری رویکرد تنزیهی داشته، اما سلفیان رویکرد تجسیمی دارند، به عنوان مثال، در صفت یدالله، قطعاً ماتریدی‌ها براساس اصل تنزیهی جسم نبودن، آن را تأویل می‌کنند یا تفویض می‌برند، اما در مقابل، سلفی‌ها آن را همان ید به معنای دست ظاهری در جسم معنا می‌کنند^۱ (ماتریدی، بی تا، صص ۳۸-۴۸؛ حسن، ۱۴۳۱ق، ص ۱۵۶).

البته ناگفته نماند ماتریدی‌ها در باب رؤیت خداوند در قیامت، مانند سلفیه رویکرد تجسیمی دارند (علی الشبل، ص ۱۵؛ بن جبرین، ج ۳، ص ۱۹) که به نظر می‌رسد این مسئله متأثر از تعبد و نقل‌گرایی ماتریدیان در مباحث معاد است.

۴-۲. رویکرد حداکثری یا حداقلی در براهین و مفاهیم علوم عقلی

ماتریدیان همواره بهره‌گیری از براهین عقلی در حوزه تبیین معارف و آموزه‌های دینی و پاسخ‌گویی به شبهات ملحدان و منکران تأکید می‌کنند، به عنوان نمونه، ماتریدیان ابتدا توحید را با براهین عقلی، مانند برهان حدوث، تمنع و براهین دیگر عقلی اثبات می‌کنند و سپس به دلایل نقلی که با عقل هم سازگاری دارد، می‌پردازند، درحالی که سلفیان با رویکرد نقل‌گرایی و عدم توجه به مباحث عقلی و بانگاه حداقلی به عقل، استفاده از براهین و استدلال‌های عقلی را در آموزه‌های دینی به حداقل رسانده‌اند، چنان‌که، ابن تیمیه مؤسس مکتب سلفیه، عقل را به طور مستقل جزء منابع کسب معارف نمی‌داند (ابن تیمیه، ۱۴۱۵ق، ص ۲۵۲)؛ که به نظر می‌رسد این دیدگاه، در باب اثبات خداوند متعال با چالش جدی مواجه شده و به تناقض‌گویی اقتاده است، زیرا اثبات وجود خداوند و توحید با قواعد و دلایل نقلی در فرضی که هنوز نقل ثابت نشده است، کار صحیحی نیست و مستلزم دور است. ازاین رو، باید ابتدا با قواعد عقلی، ذات خداوند متعال ثابت شود تا بعد بتوان به دلایل نقلی نیز

استناد کرد.

همچنین ماتریدیان از مفاهیم و مصطلحات عقلی و فلسفی به وفور استفاده نموده‌اند، درحالی که سلفیان به سبب ظاهرگرایی، استفاده از مفاهیم و مصطلحات عقلی را در بسیاری از موارد مشروع ندانسته و علم کلام و فلسفه را به خاطر بهره‌گیری از این مفاهیم و قواعد نکوهش می‌کنند.^۱ البته ناگفته نماند با آنکه بسیاری از سلفی‌ها در مذمت علم فلسفه و علم کلام کتاب‌های زیادی نوشته‌اند، اما در بسیاری از مباحث عقیدتی خود، به خصوص مباحث توحیدی از قواعد کلامی و فلسفی استفاده کرده‌اند و یا در بسیاری از موارد صرفاً با تغییر الفاظ خواسته‌اند از به کار بردن فلسفه و کلام فرار کنند، اما نتیجه حرف آنان، همان قول فلاسفه و متکلمان است. به عنوان نمونه، در مبحث جبر و اختیار، ابن تیمیه با رد قول ابن سینا و صرفاً با تغییر الفاظ در جبر و اختیار به امری قائل می‌شود که چیزی جز سخن ابن سینا و سایر فلاسفه نمی‌توان از آن برداشت کرد (همان، ۱۴۰۶ق، ج ۳، ص ۷۸)؛ درحالی که چنین اشکالی در باب توحید به ماتریدیان وارد نیست.

بسیار روشن است که دیدگاه سلفیه در خصوص عدم مشروعیت علم کلام و فلسفه قابل نقد است، زیرا نخست اینکه، بسیاری از علوم، مانند ادبیات، تفسیر و بلاغت وجود دارند که شرع در مورد آنان سکوت کرده و آنان را مورد تأیید قرار نداده است و براساس استدلال سلفیان، شناخت حاصل از چنین علومی هم نباید حجیت داشته باشد، درحالی که احدی به این مطلب قائل نیست. دوم اینکه، در مسائل جدید و مستحدثه که در شرع پاسخی برای آن‌ها وجود ندارد، چاره‌ای جز رجوع به عقل نیست، بنابراین تفکر نقل‌گرایی به تنهایی نمی‌تواند پاسخ‌گوی همه مسائل باشد.

۵-۲. نگرش متفاوت در مسئله حسن و قبح

یکی دیگر از پیامدهای کلامی رویکرد حداقلی یا حداکثری به عقل، مسئله عقلی یا شرعی دانستن حسن و قبح است. ماتریدیان در اینکه حسن و قبح، امری عقلی است، اتفاق نظر دارند، اما باید توجه داشت عقلی دانستن حسن و قبح در نظر ماتریدیان با آن حسن و قبح عقلی که معتزله، تعریف و بیان می‌کند، تفاوت دارد، زیرا معتزله در عقل‌گرایی افراط نموده و دچار تناقض و تضاد شده است، درحالی که ماتریدیان هیچ‌گاه پیامدهای افراط در حسن و قبح عقلی، نظیر نظام اصلح را نمی‌پذیرند (مقدس، ۱۴۲۵ق، ص ۱۵۶؛ بیاضی، ۱۳۸۶ق، ص ۵۴).



این در حالی است که سلفیان، نظر واحدی در این موضوع ندارند و نظرشان متفاوت است. به عنوان مثال، ابن تیمیه حسن و قبح را عقلی می داند، اما در آثارش تصریح دارد که عقلی دانستن او با حسن و قبح عقلی که عدلیه قبول دارند، متفاوت است. او حسن و قبح را به معنای ملائمت و منافرت معنا کرده و همچنین می گوید حسن یا قبیح بودن فعل، ذاتی آن نیست، بلکه امری نسبی است (ابن تیمیه، ۱۴۲۶ق، ج ۸، ص ۴۴؛ همان، بی تا، ج ۸، ص ۴۲۸).

در مقابل ابن تیمیه افرادی، مانند علی بن عبدالعزیز و بن جبرین، حسن و قبح را امری شرعی دانسته اند و امر حسن را چیزی می دانند که فقط شرع به حسن بودن آن تصریح دارد و قبیح را هم، فقط چیزی می دانند که شرع قبح آن را اعلام نموده است (بن جبرین، ج ۱، ص ۴؛ علی الشبل، ص ۱۵).

به نظر می رسد دیدگاه سلفیه در باب حسن و قبح شرعی مخدوش است، زیرا هر چند حکم را به عقل واگذار نکنند، اما در موضوع شناسی نیازمند رجوع به عقل هستند. پس سلفیه حکم (فهم حسن و یا قبح) را بر عهده شارع می گذارد، اما در مرحله دوم که تشخیص موضوع است، ناچار است به عقل رجوع کند.

۶-۲. نگرش متفاوت در مسئله جبر و اختیار

یکی دیگر از نمودهای عقل گرایی در مباحث توحیدی، تفاوت نگرش در مسئله جبر و اختیار است. ماتریدیان، مانند معتزله بر آزادی و اختیار انسان در افعالش باور دارند، البته با این تفاوت که معتزله، برای انسان اختیار محض قائل است که بازتاب این عقیده، محدودیت قدرت خداوند در محدوده اعمال انسان ها است (قاضی عبدالجبار، ۱۴۰۸ق، ص ۳۲۳)؛ ولی ماتریدیان چون توحید در خالقیت را پذیرفته اند، افعال انسان را در طول فاعلیت خدا تعریف می کنند و قائل به نظریه کسب می شوند که با نظریه کسب اشاعره کاملاً متفاوت است و تا حدودی به نظریه «امر بین الامرین» شیعه نزدیک است (بیاضی، ۱۳۸۶ق، ص ۲۵۷)؛ در حالی که سلفیان با فاصله گرفتن از مباحث عقلی، گاهی به ورطه تناقض گویی افتاده اند، چنان که ابن تیمیه نه تفویض معتزله را می پذیرد و نظر جبر اشاعره را و بعد در بیان دیدگاه خود، از سویی خداوند را خالق افعال بندگان معرفی نموده، اما از سوی دیگر بندگان را مختار و دارای اراده می داند و برای فرار از تناقض گویی، تفسیر متفاوتی از واژه «فعل» و «خلق» ارائه می دهد.

و گاهی بآرد دیدگاه جبر و اختیار مطلق، تفسیری مبهم از نظریه «امر بین الامرین» ارائه می‌دهد، چنان‌که بن جبرین از معاصرین سلفیه می‌نویسد:

«هم کسانی که قائل به جبر مطلق اند، اشتباه می‌کنند و هم کسانی که قائل به اختیار محض اند. پس نه جبر مطلق است و نه اختیار محض، بلکه نظریه صحیح، چیزی بین این دو است».

سپس در توضیح دیدگاه خود می‌نویسد:

«اگر خداوند نمی‌کرده است که بنده این کار را انجام ندهد، به معنای آن است که بنده توانایی انجام و ترک دارد و به این معنا است که بنده قدرت اختیار دارد» (بن جبرین، ج ۸، ص ۲۹).

و روشن است که این تبیین از دیدگاه امر بین الامرین مبهم است و نیاز به توضیح دارد.



❁ نتیجه‌گیری

از مقایسه میزان عقل‌گرایی ابن تیمیه و ابومنصور ماتریدی در معارف توحیدی چندین نکته به دست می‌آید، از جمله اینکه، ماتریدیان اقسام سه‌گانه توحید را مانند شیعه بیان نموده، اما سلفیان با ارائه تقسیمی متفاوت از توحید به نفی مشروعیت استغاثه و توسل و نفی ولایت تکوینی اولیاء قائل شده‌اند.

نکته دیگر اینکه، ابومنصور به جهت رویکرد عقلانی، از براهین عقلی در خداشناسی و اثبات صفات بهره برده است، اما ابن تیمیه و سلفیان، خود را از براهین عقلی محروم نموده و به جهت عدم بهره‌گیری از عقل برخلاف ماتریدیان در صفات خبریه، رویکرد تجسمی گرفته‌اند.

از دیگر نتایج به دست آمده، تمایز ماتریدیان و سلفیان در باب توحید افعالی است. سلفیان برخلاف ماتریدیان با شرعی دانستن حسن و قبح، عقل را از ورود به این مباحث عاجز دانسته و در باب جبر و اختیار به ورطه تناقض و ابهام‌گویی افتاده‌اند.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

❁ پی نوشت

۱. تعریف عقل نزد متکلمان و فیلسوفان به معنای لوازم آن اخذ شده است و لازم آن، جای تعریف آن را گرفته است.

۲. العقل من التسميات الممنوعة على الله وهو من الاصطلاح اهل الكلام والفلاسفة. (ابی عبدالله عامر عبدالله فالج، ۱۴۷۴ق: ۲۸۴)

۳. أن العقل فى الكتاب و السنة و كلام الصحابة و الأئمة لا يرد به جوهر قائم بنفسه باتفاق المسلمين وإنما يرد به العقل الذى فى الإنسان الذى هو عند من يتكلم فى الجوهر و العرض من قبيل الإعراض لا من قبيل الجواهر. (ابن تیمیه، ۱۴۱۵ق: ۲۵۲)

۴. و ما كان العقل وحده كافيا فى الهداية و الارشاد و الالما ارسل الله الرسل (ابن تیمیه، ۱۴۱۱ق: ۲۷۱)

۵. و اما الرد الى العقل فيحيل الخلق الى شىء لا سبيل الى ثبوته و معرفته و اتفاق الناس عليه لتفاوتهم فى العقول و اختلافهم فى الآراء

۶. ماتریدیان، مانند شیعیان با توجه به ذات خداوند متعال، توحید در ذات خداوند را دارای دو بعد اساسی، یعنی نفی ترکیب و نفی تعدد دانسته اند. در نفی ترکیب از ذات خداوند متعال، ماتریدیان هرگونه سببی را که باعث ترکیب در ذات شود، از خداوند نفی می کنند. این اعتقاد آن ها با اصلی به نام اصل تنزیهی در عقایدشان هم سو است.

۷. البته به نظر می رسد برداشت سلفی ها از دیدگاه ماتریدی ها اشتباه است، چراکه ماتریدی ها توحید در الوهیت را نتیجه همان توحید در ربوبیت می دانند.

۸. به عنوان نمونه، به دو دلیل عقلی آن ها اشاره می شود. دلیل اول: تمام موجودات عالم حادث اند. تمام موجودات حادث، نیازمند محدث و علتی هستی بخش اند و این خداوند است که هستی آفرین است. اکنون که خداوند، خالق عالم است، وجود و نظم و اتقان در عالم، نشانه وجود صفاتی، چون اختیار، علم، اراده، قدرت و حیات در خداوند است. (ماتریدی، بی تا: ۴۴) و (ماتریدی، بی تا: ۹۳؛ نسفی، ۱۳۹۰م: ۱۸۸/۱) و دلیل دوم: اگر فرض کنیم خدا تمام صفات گمالی را دارا نباشد، پس باید صفت مقابل آن را دارا باشد که نشان دهنده نقص است. در موجود قدیم و ازلی، نقص راه ندارد و خداوند دارای تمام صفات گمالی است. (نسفی، ۱۳۹۰م: ۱۸۸/۱؛ نسفی، ۱۴۰۶ق: ۱۶۶)

۹. صفات عقلی، آن دسته از صفاتی اند که عقل چه به صورت مجزا از شرع و چه با کمک شرع، توانایی درک آنان را دارا است. در مقابل، صفات خبری آن دسته از صفاتی را گویند که فقط شرع آن صفات را می تواند معرفی می کند و عقل هیچ گونه توانایی در درک آنان ندارد. صفاتی، مثل یدالله و وجه الله، از قبیل صفات خبری هستند.

۱۰. عقل، یکی از صفات کمال است که دارای حدود است و از آن بیشتر نمی‌تواند پیش برود. شاهد بر این مطلب، ارسال رسولان است. جایگاه عقل در مسائل اعتقادی در حد درک فطریات است، لذا خداوند در مسایلی چون وجود خدا و... به تعقل امر می‌کند، اما عهده‌دار تفصیل اعتقادات و جزئیات، تنها با وحی است و عقل به هیچ وجه نمی‌تواند به کیفیت و حقیقت مسایلی، مانند صفات الله دست یابد، پس عقل، فقط تابعی است که از ارشادات و تنبیهات شرع بهره‌مند می‌شود و نمی‌تواند نظر مستقلی داشته باشد که مخالف با شرع باشد.

۱۱. بهرامی و همکاران، بازخوانی انتقادی دلایل سلفیه در نکوهش علم کلام با تمرکز بر دیدگاه ابن تیمیه، مجله اندیشه دینی شیراز.



❁ فهرست منابع

۱. ابن تیمیہ حرانی، احمد، بغیة المرتاد فی الرد علی المتفلسفة و القرامطة و الباطنية، تحقیق موسی الدویش، مدینه، مکتبة العلوم و الحكم، ۱۴۱۵ق.
۲. —، منهاج السنة النبویة فی نقض کلام الشیعة القدیریة، محمد رشاد سالم، جامعة الإمام محمد بن سعود الإسلامية، ۱۴۰۶ق.
۳. —، الجواب الصحیح لمن بدل دین المسیح، حمدان بن محمد، السعودية، دار العاصمة، ۱۴۱۹ق.
۴. —، درء تعارض العقل والنقل، محمد رشاد سالم، نشر جامعة الإمام محمد بن سعود الإسلامية، ۱۴۱۱ق.
۵. —، الاسماء و الصفات، بیروت، دار الکتب الاسلامیة، ۱۹۹۸م.
۶. —، مجموع الفتاوی، ریاض، مکتبة ابن تیمیہ، بی تا.
۷. —، بیان تلبیس الجهمیة فی تأسیس بدعهم الکلامیة، مدینه، مکتبة الملك فهد الوطنیة، ۱۴۲۶ق.
۸. ابن ابی شریف مقدسی، محمد بن محمد، المسامرة شرح المسامیر، لبنان، المکتبة العصریة.
۹. البانی، ناصرالدین، ۱۴۰۸ق، سلسله الحادیث الضعیفه، مکتبه المعارف، ریاض، ۱۴۲۵ق.
۱۰. الله بداشت، علی، نقد مبانی سلفیه در توحید، نشریه مقالات و بررسی ها، دفتر ۷۴، ۱۳۸۲.
۱۱. بن جبرین، شرح العقیده الطحاویة (مصدر الکتاب: دروس صوتیة قام بتفریغها موقع الشبكة الإسلامية)
۱۲. بیاضی حنفی، کمال الدین احمد، اشارات المرام من عبارات الامام، تحقیق و تعلیق یوسف عبدالرزاق، مصر، شرکت المصطفی البانی، ۱۳۸۶ق.
۱۳. بهرامی و همکاران، بازخوانی انتقادی دلایل سلفیه در نکوهش علم کلام یا تمرکز بر دیدگاه ابن تیمیہ، مجله اندیشه دینی شیراز، دوره ۲، شماره ۲، ۲۰۲۱م.
۱۴. جرجانی، علی بن محمد، التعریفات، چاپ چهارم، ناصر خسرو، ۱۳۷۰.
۱۵. جلالی، لطف الله، تاریخ و عقاید ماتریدیہ، قم، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، ۱۳۸۶.
۱۶. حربی، احمد، الماتریدیہ دراسة و تقویم، چاپ دوم، ریاض، دار الصمیمی، ۱۴۲۱ق.
۱۷. حسن، عثمان بن علی، منهج الاستدلال علی مسائل الاعتقاد عند أهل السنة و الجماعة، ریاض، مکتبة الرشد ناشرون، ۱۴۳۱ق.
۱۸. خلیلی، مصطفی، عقل و وحی در اسلام، قم، بوستان کتاب، ۱۳۸۷.
۱۹. راغب اصفهانی، محمد بن مفضل، المفردات فی غریب القرآن، چاپ دوم، دفتر نشر الکتاب، ۱۴۰۴ق.
۲۰. صابونی، نور الدین، البدایة من الکفایة فی الهدایة فی اصول الدین، تحقیق و مقدمه فتح الله خلیف، اسکندریه، دار المعارف، ۱۹۶۹م.
۲۱. علی الشبل، علی بن عبد العزیز، التنبیہ علی المخالفات العقیدیة فی الفتح الباری، المصدر: الشاملة الذهبیة.

۲۲. فالح، ابو عبد الله عامر عبد الله، معجم ألفاظ العقيدة، رياض، مكتبة العبيكان، ۱۴۱۷ق.
۲۳. قاضی عبد الجبار، بن احمد، شرح الاصول الخمسة، عبد الكريم عثمان،، قاهره، مكتبة وهبة، ۱۴۰۸ق.
۲۴. قارى، ملاًعلى، منح الروض الازهر فى شرح الفقه اكبر، مقدمه وهبى سليمان غاوحى، بيروت، دار البشائر الاسلامية، ۱۴۱۹ق.
۲۵. كرجى، على، اصطلاحات فلسفى و تفاوت هاى آن ها با يكديگر، چاپ پنجم، قم، بوستان كتاب، ۱۳۹۶.
۲۶. لامشى الحنفى الماترىدى، ابو الثناء محمود بن زید، التمهيد لقواعد التوحيد، عبد المجيد تركى، دار الغرب الاسلامى، ۱۹۹۵م.
۲۷. ماترىدى سمرقندى، ابومنصور محمد بن محمد، التوحيد، تحقيق و تقديم فتح الله خليف، اسكندريه، دار الجامعات المصرية، بى تا.
۲۸. معين، محمد، فرهنگ معين، چاپ سوم، نشر زرین، ۱۳۸۶.
۲۹. نسفى، ابومعین میمون بن محمد، تبصرة الادلة فى اصول الدين على طريقة الامام ابى منصور الماترىدى، تحقيق و تعليق كلود سلامة، دمشق، المعهد العلمى الفرنسى للدراسات العربية، ۱۹۹۰م.





پرویشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



The rational sciences researches
Vol.1, No.1, Autumn and Winter 2024

—Specialized article—

"A Comparative Study of the Rationalist Approaches of Abu Mansur Maturidi and Ibn Taymiyyah to the Concept of Monotheism and Its Theological Reflections"

Mohammad Hossein Moa'yyed¹
Mojtaba Morady Makky²

Abstract

Since ancient times, various epistemological approaches, such as rationalism and traditionalism, have been debated within different theological schools.

In contrast to the Salafis, the Maturidi school adheres to a rationalist approach to the tenets of Tawhid (monotheism), giving rise to several theological repercussions.

Given that the divergence in perspectives stems from the contrasting viewpoints of the two schools' founders, this research, employing a descriptive-analytical methodology, delves into the extent of rationalism employed by Ibn Taymiyyah and Abu Mansur al-Maturidi, as well as the theological ramifications of their respective perspectives on Tawhid.

The findings reveal that Ibn Taymiyyah and his followers exhibit a lesser degree of rationalism in their understanding of Tawhid compared to Abu Mansur al-Maturidi and the Maturidi school. This divergence in rationalist thought leads to significant consequences, including differing classifications of Tawhid, contrasting views on divine attributes and actions, diverse approaches to presenting rational proofs, and dissimilar perspectives on the concept of good and evil.

Keywords: Rationalism, Traditionalism, Salafism, Maturidism, Theological Reflections, Monotheism, Qur'anic Attributes of God.

Received Date: 2023/29/09/

Accepted Date: 2024/03/09

1. Level 2 and 3 continuous student of Islamic Theology, Navab High School of Theology, Mashhad (Corresponding Author)
mohammadhoseinmoayyed@yahoo.com

2. Instructor of advanced levels at the seminary of Khorasan, PhD graduate in Wahhabism Studies from the University of Religions and Denominations
moradimak1393@gmail.com